

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۰ مارچ ۲۰۲۴



یونس نگاه

چرا افغانستان عزیز نسین ندارد؟

زیر پست دیروزم [در فیسبوک] درمورد فکاهی آقای موسی ظفر، وطنداری از عزیز نسین یاد کرده و خواسته بود که طنزنویسان افغانستان باید از او الگو بگیرند. اما آیا وطنداران ما ظرفیت تحمل عزیزنسینی را در میان خود خواهند داشت؟ و آیا جامعه ما در موقعیتی است که عزیز نسین وطنی را ورز دهد و بسازد؟

ترکیه نیمه دوم قرن بیستم ظرفیت اقتصادی و اجتماعی ساختن عزیزنسین را داشت. البته عزیز نسین در بستر آرام اجتماعی رشد نکرد، بلکه در طوفانی که راه افتاده بوده قد کشید. عزیز نسین تقریباً همیشه در حال گریز، تبدیل نام، تبدیل جای و تدابیری برای حفظ کار و جانش بود. آخر با نام مستعارش مشهور شد. نسین نام مستعار اوست. یعنی او با خشم و دشنام و نفرت بسیار روبه رو بود.

عزیز نسین گرسنگی، زندان، دشنام، محرومیت و حتی حملات فیزیکی بسیاری را برای گفتن واقعیت‌های جامعه‌اش متحمل شد. با افشار مختلف جامعه درگیر بود. نظامیان، اشرافیت فیودالی و خان‌ها، نوکیسه‌های سرمایه، ملاحی که از جهالت مردم سواری می‌گرفتند، دین‌فروشان، معامله‌چی‌های قوم و ملت، گله‌های عوام و پهلوان پنبه‌ها را با زبان برنده‌اش نقد می‌کرد. او هرچند برای پوشاندن تلخی کلامش قالب طنز اختیار کرده بود، ولی گاهی طنزش مثل سخنرانی سیاسی آشکار بود و همه می‌فهمید که کجا و کی‌ها را نشانه گرفته است.

این که طنزنویسانی به بزرگی عزیز نسین در افغانستان رشد نکرده اند، علتش در مسدود بودن سوراخ‌های طنز ذهن نویسندگان و مردم ما نبوده است. بلکه جامعه ما به مرحله‌ای از رشد اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ای نرسیده است که در آن شاعران، فلم‌سازان، رمان‌نویسان و طنزنویسان بزرگ بیالند. ما هنوز ملت بی‌سوادیم و اکثریت جامعه توانایی خواندن و نوشتن ندارند، آن‌هایی که خوانده و نوشته می‌توانیم نیز در مناسبات اجتماعی روستائی گیر مانده‌ایم و سواد اجتماعی و فرهنگی کافی نداریم. رمان و طنز و فلم و شعر معاصر حاصل زندگی و مناسبات شهری است. در زندگی شهری غیر از زیربناها، چیز مهم تغییر جمعیتی است که زمینه رشد استعدادها را فراهم می‌کند. این تغییر شیوع

اندیو جولیسم است. بریده شدن گروه قابل توجه افراد از قبیله، قوم، و خانواده‌های بزرگ. این افراد پرتعداد هویت خود را در مهارت، درآمد، شغل و تحصیل تعریف می‌کنند و با دیگران نیز بر اساس مهارت، درآمد، شغل و تحصیل دادوستد می‌نمایند. در نتیجه اصناف و طبقات تازه اجتماعی شکل می‌گیرند و کسانی در فلم‌سازی، طنزنویسی، شعر و روزنامه‌نگاری صاحب حرفه، درآمد و شغل می‌گردند. تعدادشان در هر صنف به حدی می‌رسد که هویت جمعی ملموس و صاحب وزنه می‌یابند، اتحادیه و انجمن تشکیل می‌دهند و برای حقوق خود مبارزه می‌کنند. آنان مثلاً از طنزنویسی هم نان می‌خورند و هم مأموریت اجتماعی شان را انجام می‌دهند.

جالب است که عزیز نسین را دو راننده اصلی به طنزنویس مشهور و ماندگار بدل کرد. اول شکم، دوم تعهد اجتماعی. شکم و نیازهای مالی حتی برای عزیز نسین راننده اصلی بود. او به زبان خودش گفته است که سال‌ها منبع اصلی درآمدش قلم بود. اگر نمی‌نوشت گرسنه می‌ماند.

به جامعه‌ای فکر کنیم که در آن عزیز نسین با آن همه دشمن می‌توانست از قلم نان بخورد. آیا افغانستان به جایی رسیده است که کسی حتی امروز با نوشتن طنز نان بخور و نمیر پیدا کند؟ شما که عزیز نسین را به رخ موسی ظفر می‌آوردید، حتی یک بار برای نوشته او حاضرید ده روپه بپردازید؟ آیا شما به سطحی از آگاهی رسیده‌اید که با سخنرانی، موضع‌گیری و فعالیت عملی سیاسی برای موسی ظفر انگیزه بدهید و تعهد اجتماعی را در ذهن او بکارید؟ آیا شما از بند قوم و قریه و قول رها شده‌اید تا نویسندگان وطن، از رشادت‌ها و تلاش‌های تان سرود و ترانه و طنز ماندگار بتراشند؟

تعهد اجتماعی عزیز نسین هم راننده بسیار مهمی بود. اما آن تعهد از کله او نمی‌جوشید، بلکه از محیطش بر می‌خاست. او فردی در یک جمعیت بزرگ روشنفکر و مبارزان ترقی‌خواه بود که همه عرق‌ریزان، پایدار، دوان دوان، کشته شده و زخمی شده برای تغییر جامعه کار می‌کردند. زندان‌های ترکیه دایم از آنان پر و خالی می‌شد. قبرستان‌های ترکیه هم دایم از رد پای و جسد آنان تازه بود. عزیز نسین صدها هم‌تا و هزاران همراه آشنا و ناآشنا داشت. عزیز نسین با نوشته‌هایش برای خود و جامعه‌اش هویت تازه خلق می‌کرد و می‌دید که چگونه نوشته‌هایش چون خشت به دیوار وطن مترقی‌تر افزوده می‌شود.

البته عقب‌ماندگی جامعه هرگز مسؤلیت فردی قلم‌به‌دستان و روشنفکران متعهد کم‌تعداد و اکثراً (با تأسف) فاقد ریشه عمیق اجتماعی ما را کم نمی‌کند. باید هرکسی که مهارت فنی کار هنری، طنز، شعر، رمان و فلم و سیاست را دارد و از آگاهی لازم برخوردار است، بی‌وقفه تلاش نماید. اما تا زمانی که برای این فعالیت‌ها محیط اجتماعی و اقتصادی فراهم نشود، به کمیتی نمی‌رسد که تحول جدی و کیفی به وجود آید.

تک‌توک تلاش‌های وطنداران خود را برای بیداری قدر کنیم. آنان را با تشویق‌ها و نقدهای خود به مسیری بکشانیم که کارشان مؤثرتر گردد. مهم‌تر از آن برای ایجاد نظام سیاسی بکوشیم که زمینه عبور ملت ما را از چوپانی، دهقانی، جاغوری‌بازی، پنجشیری و مشرقی‌وال و فلان‌زی بازی و شیوه زیست بدوی فراهم سازد تا هنرمندان، دانشمندان و نویسندگان بزرگ در دامن وطن پرورش یابند. در جریان تلاش‌ها برای عبور از این مرحله بسیار نویسنده و مبارز و نخبه دوست‌داشتنی سر برمی‌آورند. امروز برای برداشتن گام تعیین‌کننده در آن مسیر، کم و بیش، آماده‌ایم. شاید از همین نسل آثاری اثرگذار به یادگار ماند. امید هست.